

واکاوی مولفه‌های کیفی میان‌افزایی در بافت تاریخی تبریز (نمونه‌های موردی: مجموعه‌ی تجاری مشروطه و صاحب‌الامر در بازار تاریخی)^۱

مینو قره‌بگلو^۲

دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران

آزیتا بلالی اسکویی

دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

ایلغار اردبیلچی

کارشناس ارشد مهندسی معماری، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

تاریخ ارسال: ۱۳۹۸ / ۱۱ / ۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹ / ۱۱ / ۱۹

چکیده

تدقیق بر میان‌افزایی در بافت تاریخی، برخلاف رویکرد حفاظتی که در اکثر پژوهش‌ها مبنا قرار می‌گیرد، نیازمند اتخاذ رویکردی بین‌رشته‌ای میان شهرسازی، حفاظت و معماری است. فصل مشترک میان این سه حوزه‌ی مطالعاتی نیز، ضرورت ایجاد هماهنگی بین ساختار جدید و بافت قدیم می‌باشد. دستیابی به این، نیز نیازمند توجه به دو مفهوم "انسجام" و "تداوم" با وجود تغییر در ابعاد مختلف بافت تاریخی به‌واسطه‌ی میان‌افزایی، است که در سایه‌ی آن بتوان میان بافت و بنای جدید ارتباطی که موجب هماهنگی است، برقرار کرد. بنابراین این پژوهش با مطالعه‌ی ارزیابی مخاطبان از دو میان‌افزایی صورت گرفته در بازار تاریخی تبریز، در پی بررسی تأثیر تغییر در ابعاد کالبدی و غیر کالبدی بافت تاریخی بعد از میان‌افزایی‌ها بر ارزیابی آن‌ها از مولفه‌های کیفی است. بر این اساس طبق منطق قیاسی، با مطالعه‌ی کتابخانه‌ای، مدل تحقیق و پرسشنامه تدوین و به کمک مطالعات میدانی، برای هر یک از دو مجموعه‌ی مشروطه و صاحب‌الامر ۱۷۵ پرسشنامه تکمیل شد. داده‌های حاصل از این پرسش‌نامه‌ها به کمک تحلیل رگرسیون مورد بررسی قرار گرفت؛ چراکه با این شیوه، تحلیل رابطه‌ی علی میان متغیرهای تحقیق و شدت و جهت رابطه‌ی میان آن‌ها ممکن می‌شود. داده‌های حاصل نشان می‌دهد که میان تغییرات ایجاد شده در مولفه‌های تاریخی، فرهنگی-اجتماعی با ارزیابی مخاطبان از انسجام و تداوم بازار تاریخی تبریز بعد از میان‌افزایی رابطه‌ی مستقیم و معنادار وجود دارد. این در حالی است که برای تغییرات در ابعاد کالبدی-محیطی با وجود رابطه‌ی مستقیم نمی‌توان قائل به معناداری شد. رابطه‌ی میان ابعاد عملکردی نیز گرچه معنادار است، وابسته به وضعیت کاربری ممکن است مستقیم یا معکوس باشد. بر این اساس می‌توان چنین نتیجه گرفت که ارزیابی مخاطبان از اثرپذیری تداوم و انسجام بافت تاریخی از تغییر ابعاد مختلف بعد از میان‌افزایی وابسته به شاخصه‌های بنای میان‌افزا متغیر خواهد بود و تدوین مدلی که واجد اولویت‌بندی بوده و در مطالعات پیشین مطرح شده است، ممکن نیست.

کلمات کلیدی: انسجام، تداوم، میان‌افزایی، بافت تاریخی، بازار تبریز.

۱- این مقاله برگرفته از پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد با عنوان "واکاوی سطوح ادراک مخاطبان از معماری میان‌افزا در بافت تاریخی شهر تبریز؛ نمونه‌ی موردی: میان‌افزایی‌های صورت گرفته در حدفاصل بازار تاریخی تبریز تا حاشیه‌ی جای‌کنار" دفاع شده در دانشگاه هنر اسلامی تبریز می‌باشد.

۲- (نویسنده مسئول) m.gharehbaghlou@tabriziau.ac.ir

مقدمه

افزودن ساختارهای جدید به بافت تاریخی، یکی از مؤثرترین و کاراترین روش‌های مداخله به‌شمار می‌آید. این ابنیه می‌توانند با تغییراتی که در محیط ایجاد می‌کنند، موجب تقویت ابعاد مختلف بافت تاریخی می‌شوند. در این میان آنچه اهمیت دارد، لزوم ارائه‌ی معماری است که علاوه بر هم‌گامی با شاخصه‌های عصر خود، هم‌زمان با میراث مادی و معنوی بافت تاریخی هم‌خوانی داشته‌باشد. این مبحث، با وجود تعریف و ابعاد مشخص، نیازمند تدقیق بر مولفه‌های شکل‌دهنده و اثرگذار، به ویژه در موضوعات این‌چنینی است تا امکان دستیابی به آن در سطح کاربردی ایجاد شود. بر این اساس بازار تبریز به عنوان یک بافت تاریخی با ارزش‌هایی در سطح ملی و جهانی مورد مطالعه قرار می‌گیرد تا اثرگذاری میان‌افزایی بر ابعاد کالبدی و غیرکالبدی آن مشخص شده و مبنایی برای بررسی رابطه و اولویت‌بندی مولفه‌های تغییر یافته بر ارزیابی مخاطبان از انسجام و تداوم بافت تاریخی باشد. این بررسی، در اصل، بستری مناسب برای بررسی هم‌خوانی و هماهنگی میان ساختار جدید و بافت تاریخی را فراهم می‌کند. بررسی این موضوع نیز به دلیل نقشی که بر کیفیت میان‌افزایی و بافت تاریخی و ارزشمند بازار تبریز بعد از میان‌افزایی دارد، دارای اهمیت بوده و هم‌چنین می‌تواند مبنایی برای تدوین مدلی کاربردی باشد که اهمیت و میزان اثرگذاری هر مولفه را نشان می‌دهد. بنابراین با هدف دستیابی به این اثرگذاری مبتنی بر ارزیابی مخاطبان در نمونه‌ی موردی و مبنای قرار دادن آن جهت ارائه‌ی مدلی کاربردی نیاز است در ابتدا مبتنی بر مطالعات نظری از ادبیات پشتیبان با تکیه بر عوامل متأثر از میان‌افزایی در بافت تاریخی و تعریف مفاهیم، مدل پژوهش تدوین شده و مبنای تهیه‌ی پرسشنامه قرار گرفت. بر این اساس، پرسشنامه‌ای در دو بخش تهیه شد؛ بخش اول شامل سوالاتی در مورد ویژگی‌های فردی و مؤثر بر ارزیابی‌ها، چون سن، جنسیت، میزان تحصیلات، هدف از حضور در مجموعه و دفعات حضور است. بخش دوم شامل سوالات مرتبط با انسجام و تداوم بافت تاریخی بعد از میان‌افزایی‌ها می‌باشد. جهت سنجش ارزیابی‌ها نیز از طیف لیکرت استفاده خواهد شد؛ چراکه ماهیت پژوهش اکتشافی نبوده و این طیف ابزار مناسبی برای دستیابی به کیفیت مورد نظر در ارزیابی در اختیار قرار می‌دهد. داده‌های گردآوری شده، نیز، به کمک رگرسیون مورد تحلیل قرار خواهد گرفت. نتایج حاصل از این تحلیل نیز به روش توصیفی-تحلیلی بررسی شده و جهت پاسخگویی به سوال تأثیر تغییر ابعاد کالبدی و غیرکالبدی بافت تاریخی به‌واسطه‌ی میان‌افزایی بر ارزیابی مخاطبان از مولفه‌های کیفی بناهای میان‌افزا چیست و به چه میزان است؟ به کار گرفته شود.

مبانی نظری

تاکنون مطالعات بسیاری در موضوع میان‌افزایی در بافت تاریخی انجام شده‌است. ترک‌زبان، محمدمرادی (۱۳۹۰)، شاه‌تیموری، مظاهریان (۱۳۹۱)، مسعود، بیگزاده شهرکی (۱۳۹۲) و نقوی، مظاهریان (۱۳۹۸) چند نمونه از متأخرترین این مطالعات هستند که نشان می‌دهند که ساختارهای جدید در بافت تاریخی علاوه بر داشتن درجه‌ای از تغییر و تنوع، بهتر است هم‌خوان و هماهنگ با محیط اطراف خود باشند (جدول ۱). این پژوهش‌ها، که با نگرشی حفاظتی پیش رفته‌اند، منجر به ارائه‌ی راهکارهای طراحی شده‌اند که در اصل متوجه مولفه‌هایی هستند که معمار

بهتر است مدنظر قرار دهد. این مقوله متفاوت از مولفه‌های کیفی میان‌افزایی است. هرچند که نمی‌توان منکر هم‌پوشانی میان آن‌ها شد ولی مبتنی بر آن می‌توان استنتاج کرد که در میان‌افزایی درون بافت تاریخی از نقطه نظر حفاظتی، ساختار جدید ملزم است در هماهنگی و هم‌خوانی با بافت تاریخی طراحی شود. این دست مطالعات پیرامون این مفهوم در مبحث میان‌افزایی در بافت شهری و تاریخی سابقه‌ی طولانی ندارد ولی مطالعاتی که در ادامه مطرح شده‌اند متأخرترین این دست از پژوهش‌ها هستند.

یوجانگ^۱ (۲۰۱۲) با بررسی تأثیر ساختارهای افزوده شده به بافت مرکز شهر کولامپور بر تداوم هویت آن مبتنی بر پرسشنامه و مصاحبه، نتیجه می‌گیرد که این افزودن‌ها در صورت تداوم هویت بافت شهری در ابعاد فیزیکی، عملکردی و تصویر ذهنی اقدامی پایدار در راستای ارتقای ساختارهای اقتصادی و گردشگری نیز می‌تواند باشد. گیتینگ و واحد^۲ (۲۰۱۵م.) نیز با فرض اهمیت جایگاه تداوم در هویت میراث شهری، اثرگذاری تداوم سه عامل موثر؛ ارزش‌ها، حس نوستالژی و هم‌خانوادگی را بر هویت به روش ترکیبی مورد سنجش قرار می‌دهد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تداوم در فعالیت‌های مربوط به گذشته بیشترین و هم‌خانوادگی کمترین تأثیر را بر هویت شهر دارد. یگانه و بمانیان (۱۳۹۴) معیارهای پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهای عمومی از طریق توسعه‌ی درون‌زا را در ابعاد کالبدی، فضایی، اجتماعی-فعالیتی و نمادین با رویکردی پدیدارشناختی-روانشناسی و مبتنی بر تحلیل کیفی و استدلال منطقی بررسی کرده‌اند. نتیجه‌ی این پژوهش نشان می‌دهد که بسته به ماهیت و نوع فضا، میزان و نحوه اثرگذاری هر بُعد بر پیوستگی متغیر است. علوی‌زاده و دیگران (۱۳۹۷) با هدف بررسی تأثیر میزان انسجام میان‌افزایی‌ها بر انسجام و تداوم بافت تاریخی، مبتنی بر روش توصیفی تحلیلی و تحقیق پیمایشی نتیجه می‌گیرد که تکیه بر الگوگرایی در ابعاد کالبدی (ساختاری، بصری و فضایی) و عملکردی (فعالیتی و ادراکی) ارجح بر فرم‌گرایی است (جدول ۱).

جدول (۱) - نتایج حاصل از مطالعات پیرامون مولفه‌های طراحی در میان‌افزایی درون بافت تاریخی

نویسندگان	سال	مولفه‌های کیفی معماری میان‌افزا
ترک‌زبان، محمدمراد	۱۳۹۰	توجه به کالبد، پیوستگی و یکپارگی، کاربری، شبکه دسترسی، منظر بافت تاریخی و مالکیت
یوجانگ	۲۰۱۲	ساختارهای جدید در صورت حمایت از هویت بافت شهری اقدامی پایدار در راستای ارتقای ساختارهای اقتصادی و گردشگری است.
شاه‌تیموری، مظاهریان	۱۳۹۱	توجه به کاربری، موقعیت قرارگیری، مقیاس، شکل، مصالح و جزئیات بافت تاریخی
مسعود، بیگزاده	۱۳۹۲	شناخت مولفه‌های کالبدی و غیرکالبدی، توجه به مفهوم «تداوم» در وجوه کالبدی و غیرکالبدی، توجه به شیوه‌های بیان خلاقانه «انسجام» و هماهنگی، الهام از الگوهای کهن بومی به منظور حفاظت از ویژگیهای فرهنگی مکان و هویت بومی بدون الزام به تقلید از گذشته، ارتقای کیفیت زندگی در بافت، تکمیل و ارتقای معماری و شهر تاریخی از طریق طراحی مطلوب معماری میان‌افزا.
گیتینگ و واحد	۲۰۱۵	تداوم در فعالیت‌های مربوط به گذشته بیشترین و هم‌خانوادگی کمترین تأثیر را بر هویت شهر دارد.
یگانه و بمانیان	۱۳۹۴	بسته به ماهیت و نوع فضا، میزان و نحوه اثرگذاری هر یک از ابعاد کالبدی، فضایی، اجتماعی-فعالیتی و نمادین بر پیوستگی متغیر است.
علوی‌زاده، اسلامی، حبیب	۱۳۹۷	ارجحیت الگوگرایی در ابعاد کالبدی (ساختاری، بصری و فضایی) و عملکردی (فعالیتی و ادراکی) بر فرم‌گرایی
تقوی، مظاهریان	۱۳۹۸	دوری از افراط و تفریط در عین توجه توأمان به زمینه تاریخی و معاصر، تلاش جهت حفظ انسجام و تداوم

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

^۱ Ujang

^۲ Ginting, Wahid

نتایج این مطالعات نشان می‌دهد هماهنگی، ضرورتی در طراحی بناهای میان‌افزا در بافت تاریخی است و مولفه‌های که در شکل‌گیری این هماهنگی مورد توجه‌اند، قابل دسته‌بندی در ابعاد فیزیکی؛ کالبدی و فضایی (یگانه، ۱۳۹۴) و ساختاری، بصری و فضایی (علوی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۷) و ابعاد غیر فیزیکی؛ هویتی (Genting & Wahid, 2015)، فعالیتی-اجتماعی و نمادین (یگانه، ۱۳۹۴) و فعالیتی و ادراکی (علوی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۷) هستند. پژوهش حاضر را نیز باید در ادامه‌ی این مطالعات دانست با این تفاوت که جهت دستیابی به مولفه‌های میان‌افزایی نگاهی بین‌رشته‌ای دارد تا علاوه بر جنبه‌های حفاظتی، ابعاد شهرسازانه و معمارانه را نیز شامل شود. به‌علاوه، مولفه‌های کیفی میان‌افزایی در بافت تاریخی را با توجه به تمام ابعاد میان‌افزایی، که حاصل نگاهی بین‌رشته‌است، مد نظر قرار می‌دهد. این نحوه برخورد با مسئله باعث می‌شود به نحوی همه‌جانبه، کیفیت میان‌افزایی در بافت تاریخی پوشش داده شود.

رویکرد بین رشته‌ای در نگاه به میان‌افزایی در بافت تاریخی

شروع مطالعه‌ی نظام‌مند در این مبحث را باید به تاریخ انتشار پیشنهاد توسعه‌ی میان‌افزا (۱۹۷۶م). نسبت داد (ارجمند عباسی، ۱۳۸۷: ۲). با این وجود نباید مطالعه‌ی آن را به حوزه‌ی شهرسازی محدود کرد؛ چراکه حضور ساختار جدید در بافت تاریخی، آن را با حوزه‌ی مطالعاتی معماری و حفاظت-مرمت نیز پیوند می‌دهد. بنابراین باید در قالب نگرشی میان رشته‌ای مورد بررسی قرار گیرد. فصول مشترکی که در ارتباط با این مقوله در هر یک از حوزه‌ها وجود دارد باعث ایجاد تعاملات دو طرفه و همبستگی‌هایی خواهد شد که به موجب آن، مداخله مطابق با هر یک از این سه حوزه، اثراتی را در دو حوزه‌ی دیگر ایجاد خواهد کرد. بنابراین آرای هر یک از این حوزه‌ها باید در تعامل و سازمندی با دو حوزه‌ی دیگر بررسی شوند (قره‌بگلو و دیگران، ۱۳۸: ۶۷).

برمبنای این رابطه، در ارائه‌ی تعریفی کل‌نگر از میان‌افزایی در بافت تاریخی ضروری است که اهداف و چشم‌اندازهای هر حوزه‌ی مطالعاتی مورد توجه قرار گیرد. در شهرسازی، میان‌افزایی باید توانایی برآورد بخشی از اهداف تبیین شده در توسعه‌ی درون‌زای شهری، توسعه‌ی پایدار، نوشهرگرایی و توسعه‌ی هوشمند را دارا باشد. همین تداخل در این نظریه‌ها موجب شمول ماهیت میان‌افزایی به تمامی ابعاد کالبدی و غیرکالبدی چون عوامل کارکردی، زیست‌محیطی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می‌شود. در حوزه‌ی حفاظت-مرمت، رویکردهای متفاوت و گاهی متناقض ارائه شده‌است. طبیعتاً آن دسته از نظریاتی که افزودن هر گونه ساختار جدید را در بافت تاریخی مداخله‌ای غلط می‌پندارند، در حیطه‌ی این پژوهش نیستند. حتی آرای که افزودن ساختار جدید را مشروط به تبعیت، تقلید و استفاده از تکنیک و مصالح سنتی می‌دانند نیز در حدود این پژوهش قرار نمی‌گیرند (Worthington, 1998: 179؛ 1998: 10-16؛ Waren, 1998؛ ترک‌زبان و محمدمرادی، ۱۳۹۰: ۵۹-۶۱، شاه‌تیموری و مظاہریان، ۱۳۹۱: ۳۸). توجه این حوزه، بیشتر معطوف به حفاظت و حمایت از بافت تاریخی است. بر این اساس اکثر نظریه‌پردازان این حوزه، منشورها و مصوبه‌های مرتبط، افزودن ساختار جدید را به بافت تاریخی مشروط به عدم آسیب‌رسانی به ارزش‌های کالبدی و غیرکالبدی و هماهنگی با آن‌ها می‌دانند. تمرکز حوزه‌ی معماری علاوه بر خود، به تمامی ابعاد

شهری و حفاظتی نیز است و تا سطوح جزئی آن‌ها را بررسی کند. این کار طبیعتاً از ابعاد کلان و کالبدی تا ابعاد خرد و غیرکالبدی گسترش دارد. بر این اساس جامع‌ترین تعریف از میان‌افزایی را با رویکردی بین‌رشته‌ای می‌توان چنین ارائه داد (جدول ۲):

جدول (۲)-تعریف معماری میان‌افزا با رویکرد بین رشته‌ای

<p>CABE, 2005: مرکز تحقیقات سیاست های شهری و دیگران، ۲۰۰۶؛ قدیری و آراسته، ۱۳۸۵؛ میرمقننای، رفیعیان، سنگی، ۱۳۸۹؛ مظاهریان، شاه‌تیموری، ۱۳۹۱؛ حبیبی، مقصودی، ۱۳۹۴؛ پور موسوی، ناصر مستوفی و شکوهی بیدهندی، ۱۳۹۵؛ Siravo، ۲۰۱۱.</p>	<p>میان‌افزایی با توجه به جنبه کالبدی (سبک، فرم و توده، سازه و شیوهی ساخت، کاربری و روابط فضایی، مصالح، دتایل و جزئیات، مقیاس و تناسبات) و غیرکالبدی (سبک رخداد فعالیت‌ها درون فضا، عوامل وابسته به شاخصه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی) در تطابق با جریان‌های دائمی و نه زودگذر در زمین‌های خالی حاصل از تخریب عمدی یا غیرعمدی بافت تاریخی و یا دور مانده از روند توسعه ساخته می‌شود.</p>
	<p>با هدف ایجاد بستر مناسب برای توسعهی شهر از منظر کالبدی و غیرکالبدی و با تکیه بر اهداف توسعهی درون‌زا، پایدار، هوشمند و نوشهرگرایی صورت می‌گیرد به علاوه، یکی از روش‌های مداخله در بافت تاریخی و در راستای حفاظت، مرمت ابنیه و مرمت شهری است. هم‌چنین یکی از باارزش‌ترین زمینه‌های موجود برای ارائه‌ی شیوه‌های معماری معاصر است.</p>
	<p>میان‌افزایی به شرط ایجاد هماهنگی، تلفیق و تداوم منظر بافت تاریخی و منظر شهری در کنار توجه به بازتاب شیوهی معماری و شهرسازی در دوره‌ی معاصر می‌تواند در قالب راهکارهای مختلف باشد.</p>

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

مولفه‌های کیفی میان‌افزایی در بافت تاریخی

میان‌افزایی در بافت تاریخی شهرها را باید در قالب جزئی از یک کل در نظر گرفت؛ چرا این بنا در حوزه‌ی شهرسازی در قالب جزئی است که برای تأمین اهداف کل (بافت تاریخی و شهری) عمل و در حوزه‌ی حفاظت نیز جزئی است که الزامات حفاظتی-مرمّتی بافت تاریخی را تأمین می‌کند. بنابراین، برای ساختار جدید، بنای تاریخی مجاور، بافت تاریخی و بافت شهری، کلیت و مرجعی به شمار می‌آید و این جزء افزوده شده، می‌تواند با کلیت اطراف خود هماهنگ و هم‌خوان باشد. هم‌چنین می‌تواند از آن تبعیت و پیروی نیز نکرده و جزئی منفک از کل باشد. اما از آن‌جا که این کلیت، بافت تاریخی و ارزش‌مند است، جایگاه مهمی در ابعاد مختلف کالبدی و غیرکالبدی دارد. پس بنای افزوده شده نباید بی‌توجه به بافت باشد. بر این اساس کلیدواژه‌ی هماهنگی و هم‌خوانی که در اصل نوع ارتباط میان جزء و کل را تعریف می‌کند، مبنای مناسبی برای دستیابی به مولفه‌های کیفی میان‌افزایی در بافت تاریخی است. البته تلاش برای ارائه‌ی طرحی هماهنگ با بافت تاریخی به معنای ارائه‌ی طرحی است که به موجب آن هماهنگی کالبدی و غیرکالبدی بافت تقویت شده یا ارتقا یابد. برای دستیابی به این منظور، باید مفاهیمی که به نحوی منجر به ایجاد هماهنگی و هم‌خوانی میان جزء جدید و بافت تاریخی می‌شوند، مورد بررسی قرار گیرند. برای این کار، مطالعات مربوط به ایجاد شکل منسجم برای شهر و لزوم پیوستگی در منظر شهری و تاریخی مبنای مناسبی هستند (یگانه و بمانیان، ۱۳۹۴: ۴۰۹).

انسجام و یکپارچگی

مبتنی بر نظریات مختلف ارائه شده در این مبحث، می‌توان جدول ۳ را ارائه داد:

جدول (۳) - رویکردهای مختلف در مورد انسجام در ادبیات تخصصی معماری و شهرسازی

رویکرد	نظریه پردازان	مبانی نظری	ماهیت شکل منسجم	روش‌شناسی
وحدت‌گرا	نصر، اردلان بختیار (۱۹۷۵)	و همه‌ی آفرینش یک کل واحد بوده و هر جزء آن در عالم ماده انعکاسی از نظام متعالی تر است.	نمودی از وحدت وجود	شهودی؛ مبتنی بر دریافت وحدت حقیقی

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

ادامه‌ی جدول (۳) - رویکردهای مختلف در مورد انسجام در ادبیات تخصصی معماری و شهرسازی

رویکرد	نظریه پردازان	مبانی نظری	ماهیت شکل منسجم	روش‌شناسی
کل‌گرا	بوهم (۱۹۸۰)، استکولز (۱۹۸۷)	کل به عنوان منشا شکل‌گیری اجزا	پیروی از روابط حاکم بر کل	شهودی؛ مبتنی نظام آفرینش
سازمندگرا	آلبرتی (۱۹۹۱)، اک (۱۹۹۴)، لینچ (۱۹۹۶) لتابی (۲۰۰۴)	اجزا در شکل‌گیری به وابستگی با نظام آفرینش گرایش دارند.	همگرایی با روندهای طبیعت	شهودی؛ مبتنی بر روندهای طبیعی
زیبایی‌گرا	سیت (۱۹۶۵)، کالن (۱۹۷۶)، گیدون (۱۹۸۰)، کولینز (۱۹۸۶)	اجزای مختلف تأثیر بصری مثبت بر یکدیگر دارند.	هماهنگی و تناسب اجزاء	تاریخی؛ مبتنی بر اصول و قواعد گذشته
ساختارگرا	بیکن (۱۹۷۴)، لینچ (۱۹۸۵)، الکساندر (۲۰۰۴)	فضای میان اجزا و کل همگرا است.	عناصر فضایی شهر و امکانات ترکیبی آنها	تاریخی؛ مشاهده و مصاحبه برای دریافت ساختارهای ذهنی و عینی
زمینه‌گرا	واترهاوس (۱۹۷۸)، رو و کوتز (۱۹۷۸)، برولین (۱۹۸۰)	اجزا با ارزش‌های تاریخی و فرهنگ جمعی همگرا هستند.	همخوانی اجزا با زمینه‌ی کالبدی، تاریخی، اجتماعی و فرهنگی	تاریخی؛ مشاهده و مصاحبه عمیق برای معنایابی

منبع: برگرفته از تولایی، ۱۳۸۶: ۱۶۲-۱۸۰.

ساختار جدید در بافت تاریخی ملزم است هماهنگ و همخوان با شاخصه‌های بافت باشد. به همین دلیل زمینه‌گرایی مناسب‌ترین رویکرد برای مطالعه‌ی انسجام‌بخشی به بافت تاریخی در جریان میان‌افزایی‌ها است. در زمینه‌گرایی، زمینه، محل اتصال جزء (ساختار جدید) و کل (بافت تاریخی) معرفی می‌شود (تولایی، ۱۳۸۶: ۱۲۶؛ علوی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۷). تولایی (۱۳۸۶) سه زمینه‌ی اصلی را چنین ارائه می‌دهد: زمینه‌های کالبدی، فرهنگی-اجتماعی و تاریخی. قنبری (۲۰۱۴م.) نیز این زمینه‌ها را در چهار دسته گروه‌بندی کرده است: زمینه‌ی کالبدی، تاریخی، فرهنگی-اجتماعی و اقلیمی. هوزرلیس و دیگران (۲۰۱۴م.) این زمینه‌ها را در دو دسته‌ی کلی ارائه می‌دهد: زمینه‌ی اجتماعی و کالبدی. زیرک و اشتاری (۲۰۱۴م.) نیز ابعاد زمینه‌گرایی را با ترکیب دو الگوی گوینس و قنبری در سه بعد تدوین کرده است: زمینه‌ی کالبدی-تاریخی (الگوهای شکلی)، زمینه‌ی فرهنگی-اجتماعی (الگوهای رفتاری) و زمینه‌ی اقلیمی (الگوهای طراحی اقلیمی) (گلکار، ۱۳۹۰: ۱۷۵-۱۸۵). مهرابی (۲۰۱۶م.) نیز این ابعاد را در دو دسته‌ی کلی عوامل وابسته محیط طبیعی و مصنوعی تقسیم‌بندی کرده است. بر اساس تمامی مدل‌های ارائه شده و مبتنی بر شاخصه‌های بافت تاریخی می‌توان مولفه‌های میان‌افزایی را با تکیه بر زمینه‌های مطرح شده برای بافت تاریخی و هم‌چنین نتایج حاصل از مطالعات بین‌رشته‌ای آن چنین دسته‌بندی کرد: مولفه‌های کالبدی و محیطی، مولفه‌های عملکردی و مولفه‌های تاریخی، فرهنگی-اجتماعی.

تداوم و پیوستگی

این اصل، ناظر به استمرار، تسلسل و مداومت مولفه‌هایی از محیط است که با وجود تغییرات باید محافظت و حمایت شوند تا از گسست‌ها جلوگیری کنند. بنابراین تداوم، مفهوم ثبات و تغییر را در سه بُعد محیط، انسان و زمان پوشش می‌دهد. بر این اساس ثبات در روابط، جایگاه و دیرپایی زمانی در کنار پویایی در اجزاء موجب ایجاد تداوم خواهد شد (علی‌الحسابی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۹) که در نهایت حس پیوستگی و استمرار را در مخاطبان محیط ایجاد

می‌کند. بحث پیرامون پیوستگی و تداوم در طول مدت ۱۹۹۶م. تا ۲۰۱۲م. در مبحث حفاظت نیز مطرح شد که تا پیش از یادداشت وین (۲۰۰۵م.) عمدتاً با هدف ارزش‌گذاری برای سایت‌های میراث جهانی کاربرد داشت (ابوئی و دیگران، ۱۳۹۴: ۶۲). در این محدوده‌ی مطالعاتی، پیوستگی در سه حوزه تعریف می‌شود: پیوستگی اجتماعی، پیوستگی تاریخی-ساختاری و پیوستگی بصری. پیوستگی اجتماعی، ناظر بر تداوم در عملکرد روابط عاطفی در نتیجه‌ی توسعه‌ی اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی محیط می‌باشد. پیوستگی ساختاری و تاریخی، متکی بر لزوم حفاظت و تداوم در وضعیت تاریخی، تیپولوژی و مورفولوژی است و پیوستگی بصری به تداوم و پیوستگی تصویر بصری حاصل از ادارک مخاطب از محیط اشاره می‌کند (Unesco et al, 2013: 3-4).

بر این اساس، با توجه به مولفه‌های شکل‌دهنده‌ی محیط؛ مولفه‌های کالبدی، عملکردی و معنایی، ابعاد پیوستگی در چهار دسته تقسیم‌بندی می‌شوند: پیوستگی کالبدی-فضایی، پیوستگی فعالیتی-اجتماعی، پیوستگی کیفیت‌ها و پیوستگی نمادین. پیوستگی کالبدی-فضایی ناظر بر تداوم فعالیت‌ها، تداوم و انسجام زمینه‌های اجتماعی شهروندان با زمینه‌ی کالبدی، تناسب کاربری و پیوستگی با فضای عمومی است. هم‌چنین بر تداوم بصری در الگوی کف، سقف، بدنه، اجزای مستقر در فضا و سازگاری اجزا در کل واحد نیز متمرکز است. پیوستگی در بعد فعالیتی و اجتماعی بیشتر بر تداوم دسترسی، دیدها و فضاها تکیه دارد. پیوستگی کیفیت‌ها نیز اشاره به هویت‌مندی، هم‌خوانی شاکله فضا با عقاید و اندیشه‌ها و قابل تصور بودن فضا بعد از ترک آن دارد و پیوستگی نمادین نیز به تداوم شبکه‌ی نمادهای مکان، پیوستگی نمادها برنماد مرجع، ذهنیات و پیش‌انگاشت‌های شهروندان ناظر است (یگانه و بمانیان، ۱۳۹۴: ۴۱۴).

الگوی نظری پژوهش

مبتنی بر تعریف ارائه شده از میان‌افزایی در بافت تاریخی (جدول ۳) و انسجام و تداوم به عنوان دو مفهوم مؤثر در کیفیت حاصل به دنبال میان‌افزایی در بافت تاریخی، می‌توان نمودار ۱ را ارائه داد. در این نمودار، مفهوم انسجام، بر اساس نظریه‌های مطرح در مبحث زمینه‌گرایی، قابل تبیین در سه بُعد انسجام عملکردی، انسجام کالبدی و انسجام تاریخی، فرهنگی-اجتماعی است. به‌علاوه، مفهوم تداوم، بر اساس مطالعات یگانه و بمانیان (۱۳۹۴) در چهار بُعد پیوستگی فضایی-کالبدی، فعالیتی-اجتماعی، کیفیت‌ها و نمادین است. بر مبنای تعاریف ارائه شده از هر یک از این ابعاد، در زیرمجموعه‌ی انسجام و تداوم می‌توان چنین استدلال کرد که انسجام عملکردی، انسجام کالبدی، تداوم فضایی-کالبدی و تداوم فعالیتی-اجتماعی، متکی به شاخصه‌ها و مولفه‌های فیزیکی میان‌افزایی در بافت تاریخی هستند. از جانب دیگر، انسجام تاریخی، فرهنگی-اجتماعی، تداوم کیفیت‌ها و نمادین، نیز، بر مبنای مولفه‌های غیر فیزیکی یا معنایی میان‌افزایی شکل می‌گیرند.

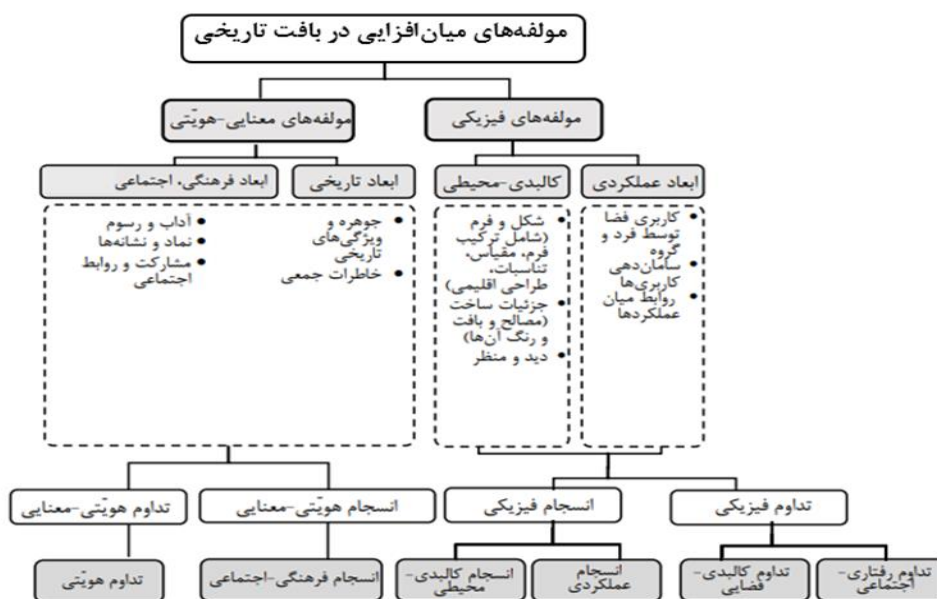
در نمودار ۱، مولفه‌های فیزیکی نماینده‌ی ابعاد کالبدی-محیطی و عملکردی و مولفه‌های معنایی نماینده‌ی ابعاد تاریخی، فرهنگی-اجتماعی میان‌افزایی در بافت تاریخی هستند. بنابراین، عوامل مؤثر بر هر یک از این ابعاد همان عواملی اند که در تعریف میان‌افزایی در بافت تاریخی با رویکردی میان‌رشته‌ای مطرح شدند (جدول ۳). بر این اساس،

این نمودار با افزودن عوامل موثر بر هر یک از این ابعاد تدقیق شده و نمودار ۲، را به عنوان الگوی تدقیق شده و قابل سنجش ارائه می‌دهد. در نمودار ۲، مولفه‌های میان‌افزایی در بافت تاریخی در دو گروه مولفه‌های فیزیکی (ابعاد کالبدی-محیطی و عملکردی) و مولفه‌های معنایی (ابعاد تاریخی، فرهنگی-اجتماعی) دسته‌بندی شده و در زیر هر بُعد عوامل موثره آمده است.



نمودار (۱)- معیارهای کیفی میان‌افزایی در بافت تاریخی، منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

این عوامل نیز به نوبه خود بر دستمایه مولفه‌های کیفی میان‌افزایی در بافت تاریخی (انسجام و تداوم) اثرگذارند. عوامل وابسته به ابعاد کالبدی-محیطی و عملکردی بر انسجام و تداوم فیزیکی (انسجام کالبدی-محیطی، عملکردی، تداوم فضایی-کالبدی، تداوم فعالیت‌های اجتماعی) موثرند. عوامل وابسته به ابعاد تاریخی-فرهنگی-اجتماعی نیز، بر شکل‌گیری انسجام و تداوم معنایی (انسجام تاریخی، فرهنگی-اجتماعی، تداوم کیفیت‌ها و تداوم نمادین) اثر می‌گذارند. بنابراین، جهت سنجش هر یک از گونه‌های انسجام و تداوم، نیاز است ارزیابی افراد را از تغییر در هر یک از عوامل موثر بر ابعاد و مولفه‌ها بعد از میان‌افزایی در بافت تاریخی را استخراج کرد.

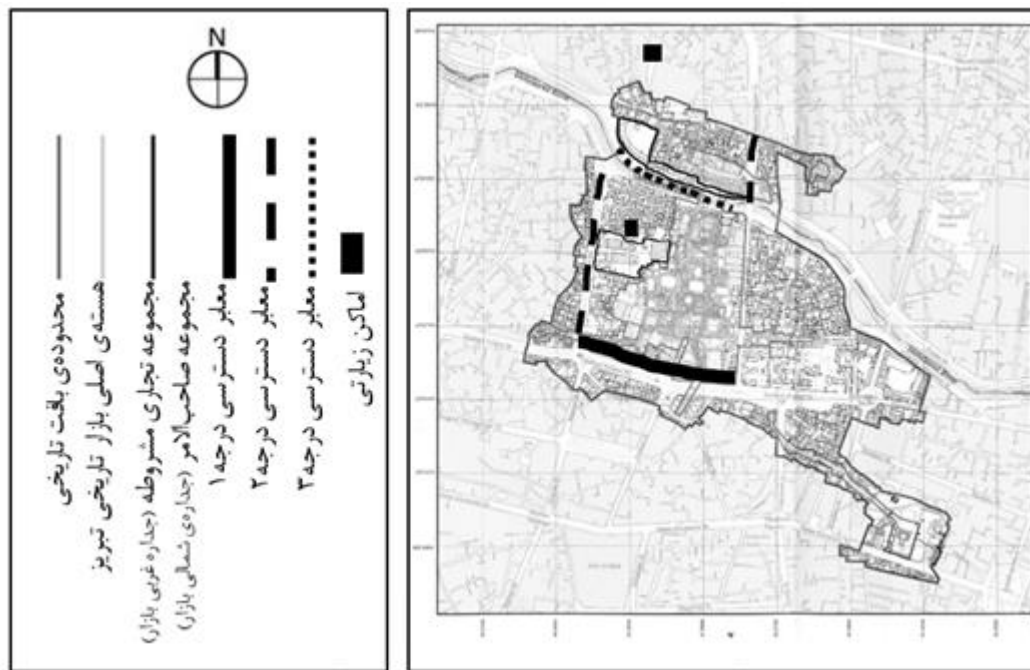


نمودار (۲)- مولفه‌های موثر بر معیارهای کیفی میان‌افزایی در بافت تاریخی، منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

بازار تاریخی تبریز با پیوستگی کالبدی از حاشیه‌ی خیابان جمهوری اسلامی تا حاشیه‌ی شمالی چای‌کنار قرار دارد. که در سده‌ی نهم تا دوازدهم نیز علاوه بر گسترش فضای تجاری آن، کاربری‌های مذهبی و حکومتی نیز در کنار آن ساخته شدند. در میان تمامی ساختارهای جدید افزوده شده به این بافت، ثبات مختصات مکانی و همگن بودن افشار، به علاوه مشابه بودن کاربری و خدمات‌رسانی به عموم مردم در ساعات مختلف شبانه‌روز موجب شد تا دو مجموعه‌ی تجاری مشروطه و صاحب‌الامر به عنوان نمونه‌های موردی انتخاب شوند (نقشه ۳، تصاویر ۱ و ۲). این دو مجموعه همچنین به دلیل مقیاس بزرگ پروژه تأثیر قابل توجهی بر ارزیابی مخاطبان دارند و هم‌جواری محسوس با بافت تاریخی، امکان بهتری برای مطالعه پیرامون میان‌افزایی در ارتباط با محیط تاریخی اطراف را فراهم می‌کند.



تصویر (۱) و (۲) - مجموعه‌ی تجاری صاحب‌الامر (راست) مجموعه‌ی تجاری مشروطه (چپ)، منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹



نقشه (۳) - موقعیت مجموعه‌ی تجاری مشروطه و صاحب‌الامر در بافت تاریخی بازار تبریز، منبع: www.whc.unesco.org

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

در بررسی رابطه‌ی میان مولفه‌های میان‌افزایی با انسجام و تداوم بافت تاریخی از تحلیل رگرسیون چندگانه‌ی خطی استفاده شد؛ چراکه بررسی رابطه‌ی علی میان متغیرهای تحقیق، شدت و جهت رابطه‌ی میان آن‌ها را مشخص می‌کند.

روش کار این نوع رگرسیون هم‌زمان است. در این تحلیل مقادیر Beta ضرایب استاندارد شده‌ی رگرسیون هستند. این اعداد نشان می‌دهند که در صورت افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر مستقل مربوطه، متغیر وابسته‌ی مدنظر به اندازه‌ی این عدد، افزایش در انحراف استاندارد خواهد داشت. مقدار F که از مدل آنوا استخراج می‌شود نیز تحلیل واریانس متغیرهای مستقل را نشان می‌دهد. مقدار R نیز ضریب همبستگی چندگانه است که همبستگی خطی بین مقادیر مشاهده شده و مقادیر مدل سنجش متغیر وابسته را بیان می‌کند؛ این مقادیر، در اصل، درصد واریانس متغیر وابسته را بر مبنای متغیر مستقل مدنظر نشان می‌دهند. مقدار t نیز نتایج حاصل از آزمون مستقل t است؛ در این آزمون، میانگین‌های بدست آمده از نمونه‌های تصادفی مورد قضاوت قرار می‌گیرد. بدین معنی که از دو جامعه مختلف، نمونه‌هایی اعم از اینکه تعداد نمونه مساوی یا غیر مساوی باشند، به طور تصادفی انتخاب شده و میانگین‌های آن دو جامعه با هم مقایسه می‌شود (منصور فر، ۱۳۸۹: ۲۰۱). مقدار sig نیز سطح معناداری را نشان می‌دهد.

روایی و پایایی تحقیق

روایی پرسشنامه‌ی تدوین شده توسط متخصصان با ارزیابی ضریب تمیز هر سؤال، و سنجش همبستگی آنها با نمره کل تایید شد. به علاوه، در این مرحله، پرسشنامه از نظر توانایی سوالات در سنجش معیارهای مورد مطالعه، مطلوب بودن عبارات به لحاظ وضوح، کاربرد زبان مشترک نیز مورد بررسی قرار گرفت. برای سنجش پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. این مقدار در پیش‌آزمون در هر دو مجموعه‌ی مشروطه و صاحب‌الامر برابر ۰/۷۶ است. بعد از مرحله‌ی تکمیل پرسشنامه‌ها نیز به ترتیب معادل ۰/۷۴ و ۰/۷۸ می‌باشد. از آنجا که مقادیر محاسبه شده از ۷۰ درصد بیشتر است پرسشنامه‌ها پایایی لازم را دارند.

جامعه آماری و اعضای نمونه

جامعه‌ی آماری پژوهش با تکیه بر هدف و سوالات پژوهش شامل تمامی افرادی می‌شود که بافت تاریخی را قبل و بعد از میان‌افزایی تجربه کرده‌اند. نمونه‌گیری به روش تصادفی ساده انجام شد. با توجه به محدودیت دسترسی به تمامی تعداد افراد جامعه‌ی آماری مدنظر، با تکیه بر تعداد محلات بافت مورد مطالعه و نمونه‌ی مورد نیاز از هر محله، ۱۷۵ پرسشنامه برای هر یک از مجموعه‌های مشروطه و صاحب‌الامر تکمیل شد. ساختار عوامل فردی در نمونه‌ها نشان می‌دهد که اکثر افراد، مرد و دارای مدرک دیپلم بوده و با هدف گذر و به صورت منظم از مجموعه‌ها استفاده می‌کنند (جدول ۴).

جدول (۴) - مشخصات فردی جامعه‌ی نمونه‌ی مشروطه و صاحب‌الامر.

عنوان	تعداد	نسبت	هدف از حضور		سطح تحصیلات					سن				جنسیت	
			کلی	تخصصی	دیپلم	لیسانس	کارشناسی ارشد	دکتر	۱۵-۲۰	۲۱-۲۵	۲۶-۳۰	۳۱-۳۵	مرد		زن
کلی	۴۴	۴۷	۵	۱۸	۳۰	۱۵	۵۱	۳۱	۳	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۷۶	۲۴
تخصصی	۴۴	۸۴	-	۴	۱۲	۲۲	۴۱	۳۴	۳	۲۵	۲۵	۲۵	۲۵	۸۶	۱۴

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

آزمون دوبلین واتسون در هر دو نمونه نشان می‌دهد که مقادیر به دست آمده قابلیت تبیین ارزیابی افراد از انسجام و تداوم بافت تاریخی را بعد از میان‌افزایی به کمک تغییرات ایجاد شده در مولفه‌های کالبدی-محیطی، عملکردی و تاریخی، فرهنگی- اجتماعی را دارد. از جانب دیگر حجم بالای نمونه نیز در تأیید روابط علی برقرار شده میان متغیرهای پژوهش بر اساس تحلیل رگرسیون موثر است. نتایج نهایی تحلیل رگرسیون در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول (۵)- تحلیل رگرسیونی تأثیر تغییر ابعاد محیط بر مولفه‌های کیفی میان‌افزایی‌های مجموعه‌ی تجاری صاحب‌الامر و مشروطه در بازار تاریخی تبریز

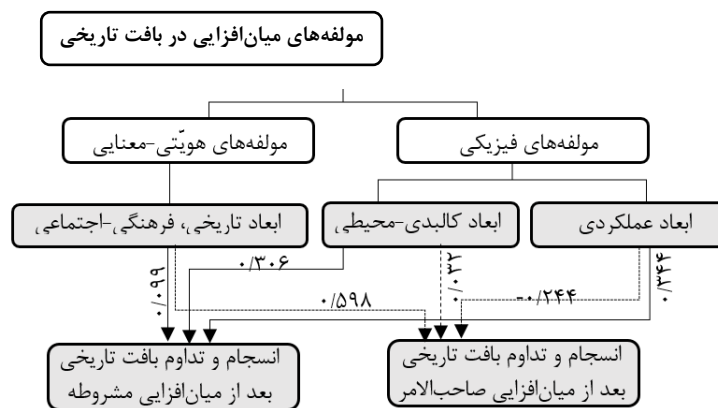
مجموعه مشروطه			مجموعه صاحب‌الامر			مولفه‌های کیفی معماری میان‌افزا در بافت تاریخی	
sig	t	beta	sig	t	beta		
						معماری، مقیاس و تناسبات	
						جزئیات شکلی	
						سیمای منطقه‌ی تاریخی	
						مقدار F در مدل آنوا	
						مقدار R	
						مقدار R ² تنظیم شده	
۰/۰۰۱>	۴/۶۳۵	۰/۳۰۶	۰/۶۲۷	۰/۴۸۷	۰/۰۳۲	معماری، مقیاس و تناسبات	
						ارتباط عملکردها	
						ساماندهی به کاربری‌ها	
						مقدار F در مدل آنوا	
						مقدار R	
						مقدار R ² تنظیم شده	
						برگزاری مراسمات فرهنگی- مذهبی	
						ویژگی‌های تاریخی بافت	
						ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی	
۰/۰۰۱>	۰/۶۹۸	۰/۳۴۴	۰/۰۰۱	-۳/۲۵۸	-۰/۲۴۴	معماری، مقیاس و تناسبات	
						ارتباط عملکردها	
						ساماندهی به کاربری‌ها	
						مقدار F در مدل آنوا	
						مقدار R	
						مقدار R ² تنظیم شده	
۰/۰۰۱>	۱/۳۴۳	۰/۰۹۹	۰/۰۰۱>			معماری، مقیاس و تناسبات	
						ارتباط عملکردها	
						ساماندهی به کاربری‌ها	
						مقدار F در مدل آنوا	
						مقدار R	
						مقدار R ² تنظیم شده	

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

در این جدول با کمک مقادیر ضرایب استاندارد شده‌ی رگرسیون، می‌توان مدل تحلیل مسیر را برای هر دو مجموعه در قالب نمودار ۳ ارائه داد. با توجه به این مقادیر در مجموعه‌ی مشروطه رابطه‌ی میان تغییرات در ابعاد کالبدی- محیطی و ارزیابی از انسجام و تداوم محیط، رابطه‌ای مستقیم ($\beta=0/306$) و معنادار است. همبستگی میان این دو متغیر ۳۳٪ و قابلیت پیش‌بینی آن نیز ۱۰٪ است. در این میان ابعاد عملکردی بیشترین اثرگذاری ($\beta=0/344$) را بر ارزیابی مخاطبان از انسجام و تداوم دارد. رابطه‌ی میان این دو نیز رابطه‌ای مستقیم و معنادار است. همبستگی ۵۱٪ و قابلیت پیش‌بینی نیز ۲۶٪ است. ابعاد تاریخی، فرهنگی- اجتماعی کمترین تأثیر ($\beta=0/099$) را با وجود رابطه‌ای معنادار و مستقیم دارد. همبستگی این دو متغیر با میزان ۲۷٪ و قابلیت پیش‌بینی ۲۵٪ اهمیت این مولفه‌ها را در ارزیابی‌ها نشان می‌دهد.

تغییرات ایجاد شده در ابعاد کالبدی- محیطی در مجموعه‌ی صاحب‌الامر در ارتباط مستقیم ولی بی‌معنا با ارزیابی افراد از انسجام و تداوم در بازار تاریخی است. هر چند که کمترین تأثیر ($\beta=0/032$) را بر ارزیابی‌ها دارد. این ابعاد در همبستگی و قابلیت پیش‌بینی کم (در حدود ۱/۰٪) هستند. ابعاد عملکردی میان‌افزایی بعد از ابعاد تاریخی،

فرهنگی-اجتماعی بیشترین اثرگذاری ($\beta=-0/244$) را بر ارزیابی مخاطبان دارد. رابطه‌ی میان این دو نیز رابطه‌ای معکوس و معنادار است. همبستگی میان این دو متغیر کم؛ در حدود ۱۰٪ و قابلیت پیش‌بینی آن نیز اندک است. در این میان ابعاد تاریخی، فرهنگی-اجتماعی بیشترین تأثیر ($\beta=0/598$) را با وجود رابطه‌ای معنادار و مستقیم دارد. همبستگی بالای میان این دو متغیر؛ ۵۳٪ و قابلیت پیش‌بینی ۲۷٪ آن نیز نشان از اهمیت این مولفه‌ها در ارزیابی از انسجام و تداوم دارد.



نمودار (۳)- مدل تحلیل مسیر اثرگذاری مولفه‌های کیفی معماری میان‌افزای مشروطه و صاحب‌الامر بر تداوم و انسجام بافت تاریخی، منبع: یافته‌های پژوهش،

۱۳۹۹

(خطوط راهنما برای مجموعه صاحب‌الامر، خطوط راهنما برای مجموعه مشروطه)

بنابر داده‌های گردآوری شده از مجموعه‌ی تجاری مشروطه، به ترتیب، تغییر در مولفه‌های عملکردی، کالبدی-محیطی و تاریخی، فرهنگی-اجتماعی بافت تاریخی به واسطه‌ی این میان‌افزایی بیشترین تأثیر را بر ارزیابی مخاطبان از انسجام و تداوم بازار تبریز بعد از این میان‌افزایی دارد. این گروه از داده‌ها مشخص می‌کنند که این مجموعه از کاربری تجاری بازار تاریخی و کمک به رفع کاستی‌های آن (برخاسته از تغییر سبک زندگی و برخورداری از امکانات به‌روز) حمایت و پشتیبانی می‌کند. اهمیت این موضوع نیز از سوی مخاطبان موجب شده است ابعاد کالبدی-محیطی در اولویت دوم قابل طرح باشد. از جانب دیگر، ایجاد تغییرات حداقلی در مولفه‌های تاریخی، فرهنگی-اجتماعی از منظر مخاطبان موجب شد تأثیر این مولفه‌ها بر انسجام و تداوم کمترین باشد. این نتیجه در مطالعه‌ی گیتینگ و واحد (۲۰۱۵م) نیز به نحوی دیگر مطرح شده است. در این مطالعه، ارزیابی مخاطبان از تداوم فعالیت‌ها نقش اصلی دارد. همچنین مشابه مطالعات یگانه و بمانیان (۱۳۹۴) و علوی‌زاده و دیگران (۱۳۹۷)، نتیجه‌ی حاصل از داده‌های این پژوهش نیز نشان می‌دهد ماهیت مجموعه و تمرکز بر الگوگرایی مهم‌ترین جایگاه را بر انسجام و تداوم دارد.

داده‌های گردآوری شده از میان‌افزایی مجموعه‌ی صاحب‌الامر نشان می‌دهد که تغییرات ایجاد شده در ابعاد تاریخی، فرهنگی-اجتماعی، عملکردی و کالبدی-محیطی، به ترتیب، بیشترین تأثیر را بر ارزیابی مخاطبان از انسجام و تداوم بازار تبریز بعد از این میان‌افزایی داشته‌است. البته همان‌طور که اشاره شد این اثرگذاری در ارتباط با مولفه‌های

کالبدی-محیطی، بی‌معنا، و در ارتباط با مولفه‌های عملکردی، معکوس است. تکیه بر این گروه از داده‌ها مشخص می‌کند که با وجود سنخیت میان کاربری این مجموعه با بازار تبریز، شیوه‌ی ارائه و عملکرد آن نزد مخاطبان مطلوب نیست. صحت این ارزیابی نیز از جدا افتادگی کالبدی و عملکردی بخشی از بازار تاریخی تبریز که در سمت شمال مجموعه‌ی صاحب‌الامر قرار دارد، آشکار می‌شود. به‌علاوه با استناد به نظر مخاطبان، تأثیر منفی تغییرات در مولفه‌های عملکردی موجب شده است مولفه‌های کالبدی-محیطی در اولویت بعد از مولفه‌های عملکردی باشند؛ چراکه کالبد یکی از مهم‌ترین وظایف خود، یعنی تأمین مناسب عملکرد، را به خوبی پاسخ نگفته و به مرور زمان در اثر عدم استفاده از فضاها دچار تخریب و آسیب شود. در این راستا، تغییرات این دسته از مولفه‌ها از کمترین میزان اثرگذاری برخوردار شده‌است. به همین دلیل است که تغییر در مولفه‌های تاریخی، فرهنگی-اجتماعی در قیاس با دو مولفه‌ی دیگر از مطلوبیت بیشتری در ارزیابی‌ها برخوردار شده و در اولویت اول از نظر میزان اثرگذاری بر انسجام و تداوم بافت تاریخی قرار گرفته است. این یافته‌ها به نحوی دیگر اهمیت جایگاه مولفه‌های عملکردی را که در مطالعات گینتینگ و واحد (۲۰۱۵م.) مطرح شده است، نشان داده و همچنین موجب تأیید تأثیر ماهیت فضا در اولویت‌بندی مولفه‌ها مطابق پژوهش یگانه و بمانیان (۱۳۹۴) می‌شود. به‌علاوه نشان می‌دهد که مشابه مطالعات علوی‌زاده و دیگران (۱۳۹۷) فرم‌گرایی را نباید ارجح بر الگوگرایی در نظر گرفت.

بنابراین در هر دو مجموعه میان مولفه‌های میان‌افزایی و ارزیابی‌ها از انسجام و تداوم رابطه‌ای معنادار و مستقیم وجود دارد. البته در مجموعه صاحب‌الامر میان تغییر در ابعاد کالبدی-محیطی و مولفه‌هایی کیفی میزان‌افزایی رابطه معناداری حاصل نشد و در مورد تغییر در ابعاد عملکردی نیز ارتباط معکوس با مولفه‌های کیفی میان‌افزایی وجود دارد. بنابراین با ایجاد تغییرات در ابعاد کالبدی-محیطی در بافت تاریخی به‌واسطه‌ی میان‌افزایی نباید همواره در انتظار تغییر در ارزیابی افراد از انسجام و تداوم بود.

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

هدف پژوهش حاضر بررسی مولفه‌های کیفی انسجام و تداوم در ارتباط با تغییرات ایجاد شده در ابعاد کالبدی و غیرکالبدی بازار تاریخی تبریز بعد از میان‌افزایی‌ها است. این بررسی در ایجاد هماهنگی و فراهم آوردن بستر مناسب برای حمایت و ادامه‌ی حیات بافت تاریخی در سطح کاربردی، کمک‌کننده خواهد بود. اتخاذ رویکردی میان‌رشته‌ای، نیز، از اولویت‌های این پژوهش است؛ چراکه داشتن رویکردی کل‌نگر را با توجه به سه حوزه‌ی مطالعاتی مطرح در این مبحث (شهرسازی، حفاظت-مرمت و معماری) ممکن می‌کند. بر این اساس، این پژوهش با محوریت بررسی تأثیر تغییرات در ابعاد کالبدی و غیرکالبدی بافت تاریخی و میزان آن بر ارزیابی مخاطبان از مولفه‌های کیفی میان‌افزایی بر اساس مطالعات نظری و میدانی (با استفاده از پرسشنامه‌ی بسته) شکل گرفته‌است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که در میان‌افزایی مجموعه‌ی مشروطه، رابطه‌ای مستقیم و معناداری، به ترتیب میزان اثرگذاری، میان انسجام و تداوم با تغییرات در ابعاد عملکردی، کالبدی-محیطی و تاریخی، فرهنگی-اجتماعی وجود دارد. در مجموعه‌ی صاحب‌الامر رابطه‌ی مستقیم میان انسجام و تداوم، تنها، با تغییرات در ابعاد تاریخی-فرهنگی-اجتماعی و

کالبدی-محیطی برقرار است. در این میان، رابطه‌ی میان انسجام و تداوم با تغییرات در ابعاد عملکردی، رابطه‌ای معکوس است و در میان این سه گروه مولفه، تنها، رابطه‌ی معنادار با تغییرات کالبدی-عملکردی وجود ندارد. این یافته‌ها نشان می‌دهد که میان انسجام و تداوم بازار تاریخی و تغییرات در مولفه‌های کالبدی-محیطی، عملکردی و تاریخی، فرهنگی-اجتماعی در اثر این دو میان‌افزایی مبتنی بر نظر مخاطبان، می‌توان قائل به وجود رابطه‌ی علی و اثرگذاری-اثرپذیری بود. با ذکر این نکته که اثرپذیری تداوم و انسجام بازار تبریز از تغییرات ایجاد شده بر ابعاد کالبدی و غیرکالبدی آن بعد از میان‌افزایی‌ها و میزان‌اش، وابسته به وضعیت بنای میان‌افزا متغیر خواهد بود. بر این مبنا نمودار ۱ می‌تواند به عنوان مدلی کاربردی جهت سنجش هماهنگی میان بافت تاریخی و بناهای میان‌افزا و هم‌چنین مولفه‌های کیفی آن پیشنهاد شود.

با این وجود آنچه در این مورد اهمیت دارد، تأثیر کمتر مولفه‌های کالبدی-محیطی در مقابل مولفه‌های عملکردی است. چنین به نظر می‌رسد که مولفه‌های عملکردی نقشی محوری در این اثرگذاری دارند و حتی در برخی شرایط بر ارزیابی‌های مخاطبان از مولفه‌های کالبدی-محیطی نیز موثرند. این درحالی است که در میان متخصصان حوزه‌ی طراحی مناقشات و نقاط تمرکز، بیشتر بر سر مسائل کالبدی، ساختاری و فرمی است. بنابراین ارائه‌ی یک روش طراحی برای میان‌افزایی که تنها، متمرکز بر ویژگی‌های کالبدی هماهنگ با بافت تاریخی باشد، عملاً ممکن و صحیح نیست. در ادامه‌ی این مسیر، (۱) تدقیق بیشتر بر عوامل تشکیل‌دهنده‌ی مولفه‌های کیفی، (۲) استخراج سایر عوامل موثر بر ارزیابی مولفه‌های کیفی بر مبنای مطالعات اکتشافی (۳) تمرکز بیشتر بر زمینه‌ی فرهنگی-اجتماعی به عنوان یکی از عوامل موثر بر انتخاب رویکرد میان‌افزایی در بافت تاریخی، (۴) تدقیق بر سایر عوامل موثر بر این دست از ارزیابی‌ها، چون مشخصات فردی و شخصیتی (مانند سن، جنس، میزان تحصیلات، هدف از حضور در بافت) می‌تواند در تکمیل این مباحث کمک‌کننده باشد. به‌علاوه (۵) تمرکز بر گروه متخصصان و انجام پژوهشی جهت دستیابی به ارزیابی آن‌ها، نیز، شرایط مناسبی برای قیاس و تعیین نقاط اشتراک و تمایز فراهم خواهد کرد که به موجب آن تدوین راهکارهایی که محل توافق عمومی بوده و کمتر مناقشه برانگیزند، ممکن می‌شود.

منابع

- ابوئی، رضا؛ جبل عاملی، عبدالله؛ و کیانی ده کیانی، غلامرضا (۱۳۹۴). اهمیت پیوستگی مناظر تاریخی و ابزارهای نوین حفاظتی نمونه موردی شهر کهن اصفهان، مرمت و معماری ایران، ش ۹: ۵۹-۶۹.
- ارجمند عباسی، پریسا (۱۳۸۷). امکان سنجی توسعه درون فضایی در ایران به کمک GIS نمونه موردی: ده ونک، طرح نهایی کارشناسی. گروه معماری و شهرسازی، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
- بلیکی، نورمن (۲۰۰۰). طراحی پژوهش‌های اجتماعی. مترجم: حسن چاوشیان. تهران: نشر نی.
- پورموسوی، موسی؛ ناصر مستوفی، انوشیروان؛ و شکوهی بیدهندی، محمدصالح (۱۳۹۵).
- شناسایی اصول و راهکارهای اجرایی توسعه میان‌افزا در شهر تهران به عنوان یکی از ابعاد توسعه شهری پایدار، مطالعات توسعه‌ی اجتماعی ایران، ش ۴: ۳۷-۵۷.
- ترک زبان، شقایق؛ و محمدمردادی، اصغر (۱۳۹۰). ضوابط طراحی معماری در بافت‌های تاریخی، شهر و معماری بومی، ش ۱: ۵۷-۷۴.
- تولایی، نوین (۱۳۸۰). زمینه‌گرایی در شهرسازی، هنرهای زیبا، ش ۱۰: ۳۴-۴۳.

- تولایی، نوین (۱۳۸۶). شکل شهر منسجم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- حبیبی، محسن؛ و مقصودی، ملیحه (۱۳۹۴). مرمت شهری: تعاریف، نظریه‌ها، تجارب، منشورها و قطعنامه‌های جهانی، روشها و اقدامات شهری. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- خوش‌الحان، وحید؛ حسین‌زاده دلیر، کریم؛ و نظم‌فر، حسین (۱۳۹۹). راهکارهای توسعه صنعت گردشگری پایدار تبریز مبتنی بر مؤلفه‌های منطقه‌ای، فصل‌نامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، ش ۳-۴: ۴۷-۶۰.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان آذربایجان شرقی (۱۳۹۵). سالنامه‌ی آماری استان آذربایجان شرقی، تبریز: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان آذربایجان شرقی.
- شاه‌تیموری، یلدا؛ مظاهریان، حامد (۱۳۹۱). رهنمودهای طراحی برای ساختارهای جدید در زمینه‌ی تاریخی، هنرهای زیبا، ش ۱-۱۵: شاه‌تیموری، یلدا؛ مظاهریان، حامد؛ و حناچی، پیروز (۱۳۹۰). ساختارهای جدید، واسطه پیوند میان گذشته و آینده (طراحی در مجاورت آب انبار سردار و حمام راه روی در شهر قزوین)، هفت شهر، شماره پیاپی ۳۷-۳۸: ۴۰-۵۵.
- عبدلهی، ولی؛ بیگ بابایی، بشیر؛ و عزت پناه، بختیار (۱۳۹۹). بازشناسی قابلیت‌های بازآفرینی در بافت‌های ناکارآمد (مطالعه موردی: منطقه چهار شهرداری کلانشهر تبریز)، فصل‌نامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، ش ۳-۴: ۱۳۷-۱۵۱.
- علوی‌زاده، الهام؛ اسلامی، غلامرضا؛ و حبیب، فرح (۱۳۹۷). بررسی تأثیر میزان زمینه‌گرایی بناهای میان‌افزا بر تداوم حیات بافت تاریخی بازار سنتی ایرانی - (نمونه موردی: حریم درجه دو بافت تاریخی بازار سنتی اردبیل)، پژوهش‌های معماری اسلامی، ش ۱: ۶۹-۸۵.
- علی‌الحسابی، مهران؛ رضازاده، راضیه؛ و چربگو، نصیبه (۱۳۹۶). ارائه‌ی مدل مفهومی معنای مکان و شاخص‌های تداوم آن (تحلیل پدیدارشناسانه‌ی تفسیری تجربیات زیسته افراد)، باغ‌نظر، ش ۱۷-۲۷: ۱۷-۲۷.
- قدیری، بهرام؛ و آراسته، شیوا (۱۳۸۵). ساختارهای جدید در محیط‌های تاریخی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- قره بگلو، مینو؛ نژادابراهیمی، احد؛ و اردبیلچی، ایلقار (۱۳۹۸). معماری میان‌افزا؛ رویکردی میان‌رشته‌ای برای طراحی در بافت تاریخی؛ نمونه موردی: مجموعه تجاری مشروطه در بافت تاریخی بازار تبریز، باغ‌نظر، ش ۷۶: ۵۷-۶۸.
- گلکار، کوروش (۱۳۹۰). آفرینش مکان پایدار (تاملاتی در باب نظریه طراحی شهری). تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- گلکار، کوروش (۱۳۸۷). محیط بصری شهر؛ سیر تحول از رویکرد تزیینی تا رویکرد پایداری، علوم محیطی، ش ۴: ۹۵-۱۱۴.
- مسعود، محمد؛ و بیگ‌زاده‌شهرکی، حمیدرضا (۱۳۹۱). بناهای میان‌افزا در بافت‌های تاریخی (مبانی طراحی و معیارهای ارزیابی). تهران: آذرخش.
- مسعود، محمد؛ و بیگ‌زاده‌شهرکی، حمیدرضا (۱۳۹۳). مبانی شکل‌گیری بناهای میان‌افزا در بافت تاریخی بر اساس بیانیه‌ها و منشورهای بین‌المللی، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، ش ۲۲: ۸۵-۱۰۸.
- مظاهریان، حامد؛ شاه‌تیموری، یلدا (۱۳۹۱). رویکردهای جهانی به حضور ساختارهای جدید در زمینه‌ی تاریخی، نقش‌جهان، ش ۱: ۷-۱۸.
- منصورفر، کریم (۱۳۸۴). روش‌های آماری. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- میرمقتدایی، مهتا؛ رفیعیان، مجتبی؛ و سنگی، الهام (۱۳۸۹). تاملی بر مفهوم توسعه میان‌افزا و ضرورت آن در محلات شهری، شهرداری‌ها، ش ۹۸: ۴۴-۵۱.
- نقوی، پویان؛ و مظاهریان، حامد (۱۳۹۸). تحلیل نظریات معاصر در مواجهه با زمینه در طراحی معماری، باغ‌نظر، ش ۷۴: ۶۹-۸۰.
- یگانه، منصور (۱۳۸۹). تبیین معیارهای پیوستگی ساختمان و شهر در فضاها‌ی عمومی شهری (مطالعه موردی خیابان ولیعصر تهران)، پایان‌نامه مقطع دکتری تخصصی، گروه معماری و شهرسازی. دانشکده هنرهای زیبا. دانشگاه تهران.
- یگانه، منصور؛ و بمانیان، محمدرضا (۱۳۹۴). تحلیلی بر ابعاد پیوستگی توده و فضا در عرصه‌های عمومی شهر، مدیریت شهری، ش ۳۹: ۴۰۷-۴۲۸.

یگانه، منصور {... و دیگران} (۱۳۹۳). تبیین رابطه‌ی رفتار قلمروپایی شهروندان با معیار و میزان ادارک پیوستگی ساختمان و شهر در فضاهاى عمومی شهر، هویت شهر، ش ۱۹: ۵-۱۸.

CABE (2005). *Design Coding: Testing Its Use in England*. London: Commotion for Architecture and Build Environment.

Center for Urban Policy Research; Edward j. Bluestein School of Planning and Public Policy; Rutgers; & The State University of New Jersey (2006). *Infill Development Standards and Policy Guide*. New Jersey: Schoor Depalma.

Ginting, Nurlisa & Wahid, Julaihi (2015). Exploring Identity's Aspect of Continuity of Urban Heritage Tourism. *Procedia: Social and Behavior Science*, 202, 234-241.

Gorski, Eleanor Esser (2009). *Regulating New Construction in Historical Districts*. Washington DC: National Trust for Historic Preservation.

Højriis, Jonas; Herrmann, Ivan Tengbjerg; Nielsen, Per Sieverts; & Bulkeley, Paul (2014). A comparative study of contextual urban design approaches in the UK and DK. *Proceedings of the 3rd International Workshop on Design in Civil and Environmental Engineering* (pp. 37-46). DCEE.

Ujang, Norsidah (2012). Place Attachment and Continuity of Urban Place Identify. *Procedia: Social and Behavior Science*, 49, 156-167.

Siravo, Francesco (2011). *Conservation Planning, Contemporary Architecture in Historical Urban Environments*. Los Angles: The Getty Conservation Institute.

Waren, John (1998). the historical context: principles and philosophies, In: *Context: New Buildings in Historic Settings*. Editors: John Warren, Sue Taylor, John Worthington. Boston: architectural press.

Worthington, John (1998). *Conservation through Development*, In *Context: New buildings in Historic Settings*. Editors: John Warren, Sue Taylor, John Worthington. Boston: Architectural Press.

World Heritage Centre. (2010), Available from <https://whc.unesco.org/en/list/1346> (Retrieved 2017/12/10: 9: 44).

World Heritage Centre, with inputs from ICOMOS, ICCROM and IUCN (2013). *International World Heritage Expert Meeting on Visual Integrity 6 to 9 March 2013 Agra*, Available from <https://whc.unesco.org/uploads/events/documents/event-992-12.pdf> (Retrieved 2017/10/25: 15:34).